سپرده تعاونی (امتیازی) به عنوان نسل دوم فعالیت‌های قرض‌الحسنه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۲

سیدعباس موسویان *
حسین میثمی **

چکیده

سپرده‌های امتیازی ـ که از آن با تعابیری مانند سپرده‌های تعاونی، وام‌خواه یا چرخشی نیز یاد می‌شود ـ نسل جدید فعالیت‌های قرض‌الحسنه در کشور محسوب می‌شود که می‌تواند در کنار مدل‌های سنتی و نسل اول قرض‌الحسنه، دسترسی گروه‌های پایین و متوسط درآمدی به تأمین مالی را بهبود بخشد.

پرسش اصلی این تحقیق آن است که مدل‌های عملیاتی سپرده‌های امتیازی در چارچوب ضوابط شرعی در حوزه قرض‌الحسنه کدام است؟ مقاله به روش توصیفی و تحلیل محتوا، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که سپرده امتیازی در چارچوب فقه امامیه و قانون عملیات بانکی بدون ربا قابلیت استفاده دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان با استفاده از ظرفیت روایات و منابع فقهی دو مدل عملیاتی «مدل قرض‌محور» و «مدل وکالت‌محور» جهت اجرای سپرده‌های امتیازی ارائه کرد. هر دو مدل از منظر فقه امامیه تأیید می‌شوند و امکان استفاده از آنها در نظام مالی کشور وجود دارد. با این حال الگوهای مذکور از دو جهت با یکدیگر تفاوت دارند: اولاً امتیازهای تخصیص‌یافته به مشتریان در مدل قرض‌محور برای نهاد مالی تعهدآور نبوده و برای مشتری حق قانونی و شرعی ایجاد نمی‌کند؛ اما در مدل وکالت‌محور امتیازهای داده‌شده برای نهاد مالی تعهدآور بوده و برای مشتریان نیز حق ایجاد می‌کند. ثانیاً در مدل قرض‌محور کارمزد باید حداکثر به اندازه مزد کار (هزینه‌ها) تعیین شود؛ اما در مدل وکالت‌محور نهاد مالی می‌تواند تحت اشراف نهاد ناظر (بانک مرکزی) آن را کمتر یا بیشتر از هزینه‌ها تعیین کند.

واژگان کلیدی: *قرض‌الحسنه، سپرده‌های امتیازی، فقه اسلامی، ربای قرضی، شبکه بانکی.*
طبقه‌بندی JEL: D53, E52.

*. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول). Email: samosavian@yahoo.com.
**. استادیار پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی. Email: h.meisamy@mbri.ac.ir.

مقدمه

فعالیت‌های قرض‌الحسنه در اقتصاد ایران دارای سابقه‌ای گسترده است؛ به‌نحوی‌که در عمل انواعی از تسهیلات قرض‌الحسنه به شکل‌های گوناگون مصرفی و تولیدی در کشور ارائه شده و طرح‌های مختلفی نیز توسط دولت یا بخش خصوصی جهت ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به افراد نیازمند اجرایی شده است (شهیدی‌نسب، ۱۳۹۳، ص۱۷).

اگر با نگاه تحلیلی به این فعالیت‌ها نگاه شود به نظر می‌رسد می‌توان بخش مهمی از آن را در قالب نسل اول فعالیت‌های قرض‌الحسنه جای داد که در آن گروهی از مردم یا دولت منابعی را گردآوری کرده و تحت عنوان قرض‌الحسنه در اختیار متقاضی قرار می‌دهند. در فعالیت‌های نسل اول که می‌توان آن را قرض‌الحسنه سنتی نامید شخصی که به هر دلیل با مشکلی مالی مواجه است و به‌صورت فوری به وام نیاز دارد به شخصی که دارای مازاد منابع است مراجعه کرده و از وی وام قرض‌الحسنه دریافت می‌کند. در اینجا هدف قرض‌گیرنده پوشش نیازهای مالی خود بوده و هدف قرض‌دهنده نیز معنوی می‌باشد؛ در واقع قرض‌دهنده به دلیل اینکه کمک به رفع مشکل برادران دینی یک امر مستحب و ممدوح است، منابع خود را برای مدتی قرض‌الحسنه می‌دهد و معمولاً هیچ‌گونه نفع دیگری منظور و مقصود نمی‌باشد (پویان، ۱۳۹۳، ص۵۵).

با این حال الگوی دیگری از فعالیت‌های قرض‌الحسنه نیز قابل تصور است که می‌توان آن را نسل دوم فعالیت‌های قرض‌الحسنه و با عنوان سپرده‌های امتیازی نامید. در این الگو از سپرده‌های خود متقاضیان قرض‌الحسنه جهت پرداخت تسهیلات به آنها استفاده می‌شود.

در سال‌های اخیر الگوی سپرده‌پذیری امتیازی در برخی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارای مجوز و همچنین خارج از شبکه بانکی در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی، ادارات و غیره با سرعت قابل توجهی رشد کرده است.* این شیوه که در عمل با الگوها و

*. علی‌رغم وجود تجربه استفاده از سپرده‌های امتیازی در نظام مالی رسمی و غیر رسمی کشور، متأسفانه همچنان ابعاد فقهی ـ حقوقی این فعالیت‌ها شفاف نیست.

جزئیات مختلفی ارائه می‌شود، با استقبال گروه‌های مختلف مشتریان مواجه شده است* (مافی، ۱۳۸۷، ص۱۰۶).

به نظر می‌رسد در اثر توسعه فعالیت‌های مبتنی بر سپرده امتیازی، برخی آثار اقتصادی و اجتماعی مثبت در نظام اقتصادی و اجتماعی حاصل شود که برخی از مهم‌ترین آنها در سطح خرد عبارت‌اند از: تقویت دسترسی فقرا و گروه‌های پایین درآمدی به قرض‌الحسنه، تقویت عدالت اجتماعی، رفع فقر، تقویت شمول مالی و حفظ کرامت انسانی از طریق راه‌اندازی تعاون در قرض‌الحسنه و در سطح کلان موجب افزایش سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌شود که خود سبب کاهش قیمت تمام‌شده سرمایه نقدی در نظام بانکی، کاهش هزینه تولید و اشتغال و کاهش رشد نقدینگی در سایه سود بانکی می‌شود.

علی‌رغم نقاط قوت مذکور، سپرده‌های امتیازی را در عمل نمی‌توان با استفاده از هر الگویی اجرایی کرد. به این معنی که نیاز است الگوهای عملیاتی پیشنهادی در این رابطه با مبانی فقه امامیه و قانون عملیات بانکی بدون ربا سازگار باشد.

در این تحقیق تلاش می‌شود ضمن موضوع‌شناسی ماهیت سپرده‌های امتیازی، مبانی روایی و فقهی استفاده از این شیوه در چارچوب اسلامی بررسی گردد و مدل‌های استفاده از آن تبیین شود؛ بر این اساس، سؤالات اساسی که در این تحقیق به آنها پاسخ داده می‌شود عبارت‌اند از:

الف) مبانی روایی و فقهی سپرده‌های امتیازی کدام است؟

ب) مدل‌های عملیاتی سپرده‌های امتیازی در چارچوب فقه اسلامی و قانون عملیات بانکی بدون ربا کدام است؟

پ) شبهات مطرح در رابطه با سپرده‌های امتیازی چیست و چگونه می‌توان به آنها پاسخ داد؟

مقاله به روش توصیفی و تحلیل فقهی، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که سپرده‌های امتیازی در چارچوب فقه امامیه و قانون عملیات بانکی بدون ربا قابلیت استفاده دارد.

*. لازم است ذکر شود که مبنای قانونی این نوآوری را می‌توان در بند پ ماده شش قانون عملیات بانکی بدون ربا جستجو کرد. مطابق این بند، بانک‌ها می‌توانند نسبت به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی، حق تقدم قائل شوند.

ساختار پژوهش بدین صورت است که پس از مقدمه، پیشینه تحقیق مطرح شده، سپس به ماهیت سپرده‌های امتیازی پرداخته می‌شود. در ادامه مبانی روایی و فقهی این شیوه مطرح شده، مدل‌های عملیاتی استفاده از آن در نظام مالی کشور طرح می‌گردد و شبهات استفاده از الگوی‌های امتیازی و راهکارهای مرتبط تبیین می‌گردد. بخش پایانی نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

پیشینه تحقیق

در دوره اخیر تحقیقات گوناگونی در رابطه با قرض‌الحسنه نسل اول انجام شده؛ اما پژوهش‌های مرتبط با قرض‌الحسنه‌های نسل جدید (امتیازی یا تعاونی) محدود است. در این قسمت به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

هادوی‌نیا (۱۳۷۸) به تبیین مفهوم تعاون در قرض‌الحسنه می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که قرض‌الحسنه می‌تواند در میان گروه‌هایی که سطح درآمد یکسان دارند، به عنوان یک تعاونی پس‌انداز مطرح باشد؛ لذا ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه در سطح کوچک می‌تواند در جمع‌آوری پس‌اندازهای خرد مفید باشد.

قضاوی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی الگوی اتحادیه‌های اعتباری در کشورهای توسعه‌یافته و استفاده از این تجربه جهت سامان‌دهی صندوق‌های قرض‌الحسنه تعاونی (امتیازی) در کشور می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که الگوی اتحادیه‌های اعتباری ظرفیت بالایی جهت استفاده در سامان‌دهی صندوق‌های قرض‌الحسنه امتیازی دارد.

مؤتمنی (۱۳۹۳) تلاش می‌کند به ارائه الگوی یک صندوق چرخشی (تعاونی) تعدیل‌یافته در شرایط تورمی بپردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که وجود تورم بالا در اقتصاد کشور سبب می‌شود رفاه نیمی از اعضای صندوق چرخشی کاهش یابد. با این حال می‌توان نسبت به طراحی یک صندوق چرخشی تعدیل‌یافته که با شرایط تورمی مناسبت دارد اقدام نمود؛ همچنین انتظار می‌رود این الگو شدت نابرابری انتفاع را در بین اعضای صندوق کاهش دهد.

موسویان و *میثمی* (۱۳۹۵) در تبیین شیوه‌های تجهیز منابع برای بانک‌های قرض‌الحسنه به سپرده‌های امتیازی اشاره می‌کند؛ به این معنی که بانک‌های قرض‌الحسنه می‌توانند در

کنار روش‌های متعارف سپرده‌پذیری مانند سپرده‌های جاری و پس‌انداز از سپرده‌های امتیازی نیز به عنوان یکی از روش‌های تجهیز منابع استفاده کنند.

هرچند برخی از ابعاد نسل جدید فعالیت‌های قرض‌الحسنه (سپرده‌های امتیازی) به‌صورت مختصر در تحقیقات آمده است؛ اما پژوهشی که در آن به‌صورت جامع به تبیین ماهیت، مبانی نظری و مدل‌های عملیاتی سپرده‌های امتیازی در چارچوب فقه امامیه و قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخته شده باشد، تاکنون انجام نشده است و از این منظر تحقیق حاضر دارای نوآوری می‌باشد.

ماهیت سپرده‌های امتیازی

بدون شک اولین مسئله‌ای که در رابطه با سپرده‌های امتیازی مطرح می‌شود، شناخت دقیق ماهیت آن است. بررسی مبانی علمی و دقت در تجربه کشورهای مختلف در طراحی مدل‌های گوناگون سپرده‌های امتیازی نشان می‌دهد که این ایده، با تعابیر گوناگون و در مدل‌های عملیاتی متنوع اجرایی شده است (Rutherford , 2000, p.56).

هرچند مدل‌های سپرده امتیازی در مقام اجرا با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و از مؤسسات (نهادهای) اجراکننده آنها با تعابیر گوناگونی مانند مؤسسات پس‌انداز و وام، صندوق‌های چرخشی، صندوق‌های قلّکی، صندوق‌های نوبتی، مؤسسات بدون بهره، مؤسسات تأمین مالی خرد، تعاونی‌های اعتبار، بانکداری فقرا و غیره تعبیر می‌شود؛ اما عنصر اصلی تمامی آنها مشترک بوده و آن چیزی جز اعطای تسهیلات بر اساس سپرده‌گذاری نیست (Ardener & Burman, 2015, p.98).

در واقع ماهیت اصلی سپرده‌های امتیازی آن است که تعدادی از افراد با یکدیگر توافق می‌کنند تا به‌صورت تدریجی (مثلاً هفتگی یا ماهانه) مبالغی را در اختیار یک مؤسسه سپرده‌پذیر قرار دهند تا این صندوق با مجموع منابع جمع‌آوری‌شده ـ و با درنظرگرفتن مبلغ و مدت سپرده‌گذاری ـ به اعطای تسهیلات به آنها بپردازد؛ به‌نحوی‌که تمامی اعضای عضو صندوق به تدریج و بر اساس منطق از پیش تعیین‌شده (مثلاً قرعه‌کشی ماهانه یا نوبتی) بتوانند از منابع و تسهیلات صندوق استفاده کنند (Clifford, 2016, p.111).

مبانی روایی سپرده‌های امتیازی

دقت در روایات مطرح‌شده در منابع اسلامی در رابطه با عقد قرض و ربا نشان می‌دهد که هرچند پرداخت و دریافت زیاده مشروط در عقد قرض ربا محسوب گردیده و به‌شدت با آن برخورد شده است؛ اما می‌توان به روایات گوناگونی اشاره کرد که به نحوی زیاده غیر مشروط را مجاز و بلکه مستحب اعلام کرده‌اند و می‌توان از آنها در طراحی سپرده‌های امتیازی استفاده کرد. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می‌شود.

۱. مباح‌بودن دریافت زیاده غیر مشروط توسط قرض‌دهنده

در روایات متعددی تأکید شده است که اگر در سررسید، قرض‌گیرنده بدون وجود شرط مازادی بپردازد، قرض‌دهنده می‌تواند آن را دریافت کند و این زیاده ربا محسوب نمی‌شود. در ادامه به برخی از روایات مرتبط با این مسئله اشاره می‌شود.

الف) در روایتی، *حلبی* از امام *صادق*ؑ نقل می‌کند:

> از ایشان سؤال کردم مردی مبلغی درهم از شخصی وام می‌گیرد با تعداد معین و چون قرض خود را می‌پردازد، درهم سیاه هم‌وزن می‌دهد و می‌داند که آنچه می‌دهد وزنش از آنچه گرفته بیشتر است؛ این کار را هم به طیب خاطر و به دلخواه خود می‌کند و نظر دارد که به قرض‌دهنده منفعتی برساند. امامؑ فرمود اشکالی ندارد در صورتی که شرطی در میان نباشد؛ ولو همه را به او ببخشد درست است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۸، ص۱۹۱).

ب) در حدیث دیگری *حلبی* از امام *صادق*ؑ نقل می‌کند که «هرگاه پول‌های نقره‌ای را قرض دادی و بهتر از آن را برای تو آورد، دریافت آنها حرام نیست؛ به شرط اینکه قراردادی در میان نباشد» (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج۷، ص۲۵۴).

پ) در حدیث دیگری از یکی از معصومانؑ نقل شده است:

> از امامؑ سؤال کردم که من یک‌صد درهم به‌طور شمارش عددی از کسی طلب داشتم؛ ولی او یک‌صد درهم به حساب وزن به من داد [گاه درهم‌ها وزنش کمتر از معمول بود؛ بنابراین کسی که مطابق وزن دین خود را ادا می‌کرد، چیزی بیشتر از مقداری که گرفته بود بازمی‌گردانند]. امامؑ فرمود: ضرری ندارد، سپس افزود: ربا به خاطر شرط در متن قرارداد به وجود می‌آید و شرط است که قرارداد را فاسد می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۸، ص۱۹۰).

ت) *محمدبن‌قیس* از امام *باقر*ؑ نقل می‌کند: «کسی که به دیگری درهم‌هایی را قرض می‌دهد، جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند؛ پس اگر بهتر از آنها به او بازگردانده شد، بپذیرد ...» (همان، ص۳۵۷).

۲. مستحب‌بودن پرداخت زیاده غیرمشروط توسط قرض‌گیرنده (حسن‌القضاء)

در برخی روایات، استحباب پرداخت زیاده غیر مشروط تأکید شده است. در روایات و سیره پیامبرﷺ و ائمه معصومانؑ از این امر تحت عنوان «حسن‌القضاء» یاد شده است. در ادامه به برخی از روایات مرتبط با این مسئله اشاره می‌شود.

الف) پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: «بهترین انسان‌ها کسی است که در بازپرداخت قرض، نیکوترین آنها باشد» (نجفی، ۱۴۱۷ق، ج۲۵، ص۷).

ب) *محمدابن‌عبده* از امام *صادق*ؑ نقل می‌کند: «از ایشان در مورد قرضی که با منفعت همراه است سؤال کردم. فرمود: بهترین قرض آن است که با منفعتی همراه باشد» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۸، ص۳۵۵).

پ) *ابی‌مریم* از امام *صادق*ؑ نقل می‌کند: «هر وقت به عهده پیامبرﷺ شتر دوساله‌ای بود، شتر چهارساله عطا می‌کرد» (همان، ص۱۹۳).

ت) *محمدبن‌مسلم* از امام *صادق*ؑ نقل می‌کند که «از ایشان سؤال کردم فقهای ناحیه ما می‌گویند هر قرضی که منفعتی ایجاد کند فاسد است، امامؑ فرمود: آیا بهترین قرض آن نیست که منفعتی به همراه داشته باشد؟» (همان، ص۳۵۵).

۳. مشروعیت توقع کسب زیاده از عقد قرض

در قسمت‌های قبل مشخص گردید که اگر قرض‌گیرنده در سررسید علاوه بر اصل قرض مبلغی به عنوان مازاد ـ بدون وجود شرط ـ به قرض‌دهنده بپردازد دریافت این مبلغ اضافی توسط قرض‌گیرنده مجاز است. حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که اگر از ابتدای قرارداد، قرض‌دهنده انتظار پرداخت زیاده داشته باشد و قرض‌گیرنده هم از این انتظار مطلع باشد، آیا باز هم دریافت مازاد به لحاظ شرعی مجاز است؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که وجود انتظار در طرفین قرارداد قرض در رابطه با پرداخت زیاده، به معنی شرط‌شدن زیاده محسوب نمی‌شود؛ زیرا این انتظار و توقع هیچ حق شرعی و قانونی برای قرض‌دهنده و هیچ تکلیف شرعی و قانونی برای قرض‌گیرنده ایجاد نمی‌کند. بر این اساس اگر علی‌رغم وجود انتظار، قرض‌گیرنده هیچ مازادی نپردازد و فقط اصل منابع را بازگرداند، قرض‌دهنده نمی‌تواند از او نزد دادگاه شکایت کند؛ بنابراین وجود انتظار پرداخت زیاده تأثیری در ربوی‌شدن قرض ندارد و صحیح است؛ هرچند بر اساس برخی از روایات دیگر ثواب قرض‌الحسنه را ندارد. به منظور اثبات این ادعا می‌توان به روایات گوناگونی اشاره کرد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) *اسحاق‌ابن‌عمار* از امام *موسی‌کاظم*ﷺ نقل می‌کند:

> به ایشان عرض کردم شخصی نزد کسی مالی دارد که به او قرض داده است و مدت این وام طول کشیده است و از این مال چیزی عاید صاحبش نمی‌شود؛ ازاین‌رو بدهکار گاه‌گاه هدیه‌ای برای او می‌فرستد که مبادا مالش را پس بگیرد آیا این بر او حلال است؟ فرمود: اگر باهم شرط نکرده باشند اشکالی ندارد (همان، ص۳۵۷).

ب) *ابن‌دراج* از امام *صادق*ﷺ چنین نقل می‌کند:

> به ایشان عرض کردم خداوند شما را به سلامت دارد. ما با بعضی از اهل عراق معاشرت داریم؛ پس به آنها قرض می‌دهیم و آنها غلاتشان را برای ما می‌آورند تا برای آنها بفروشیم و ما با گرفتن اجرتی برای آنها می‌فروشیم و برای ما در این کار منافعی وجود دارد. حضرت فرمودند: اشکال ندارد. باز سؤال کردم که اگر غلات را برای ما نفرستند ما به آنها قرض نمی‌دهیم. حضرت فرمودند: اشکالی ندارد (همان، ص۳۵۷).

پ) در حدیثی *اباربیع* نقل می‌کند:

> از امام *صادق*ﷺ سؤال شد مردی به دیگری تعدادی درهم وام داده و او بهتر از آن را با میل خود به وی بازمی‌گرداند و هر دو می‌دانند که به خاطر همین وام داده که قرض‌گیرنده بهتر از آنچه قرض گرفته را بازگرداند. امامﷺ فرمود: اگر قرض‌گیرنده با میل خود این کار را می‌کند، مانعی ندارد (همان، ص۱۹۲).

ت) *حفص‌ابن‌غیاث* از امام *صادق*ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

> زیاده بر دوگونه است حلال و حرام؛ زیاده حلال آن است که شخصی قرض دهد بدان امید که قرض‌گیرنده زیادتر به وی بازگرداند بدون آنکه شرطی بین آنها باشد. در این

صورت اگر بیشتر به وی برگرداند، درحالی‌که شرطی بین آنها نیست، مباح است و این قرض نزد خدا ثوابی ندارد و همان است که خداوند عزوجل در قرآن فرمود نزد خداوند زیاد نمی‌شود؛ اما زیاده حرام آن است که قرض دهد و شرط کند که بیشتر از آنچه قرض داده، برگردانده شود که این ربا حرام است» (همان، ص۱۶۰).

۴. مشروعیت نفع متقابل غیرمشروط

نکته مهم دیگری که در رابطه با بحث قرض و قرض‌الحسنه در روایات مشاهده می‌شود، مقوله مشروع‌بودن نفع متقابل غیر مشروط است. در این رابطه می‌توان به روایاتی اشاره نمود که در آنها طرفین معامله، بدون وجود شرط و تعهد و با هدف ایجاد نفع متقابل، رفتار معاملی از خود بروز می‌دهند. در واقع، یک‌طرف به دیگری قرض می‌دهد و طرف دیگر با انجام یک معامله شرعی، نفع متقابلی برای قرض‌دهنده ایجاد می‌کند. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می‌شود.

الف) *محمدابن‌مسلم* از امام *صادق*ؑ نقل می‌کند:

از ایشان سؤال کردم در مورد فردی که از دیگری قرض می‌گیرد و چیزی به عنوان رهن (مانند خادم، ظرف یا لباس) نزد قرض‌دهنده گرو می‌گذارد؛ سپس قرض‌دهنده نیازمند استفاده از آنها می‌شود و از صاحب آن اجازه می‌گیرد و قرض‌گیرنده نیز به او اجازه استفاده می‌دهد. آیا این کار صحیح است؟ امامؑ فرمود: اگر قرض‌گیرنده از روی رضایت خاطر و میل باطنی این اجازه را داده است، اشکالی ندارد. باز سؤال کردم بعضی از اصحاب معتقدند که هر قرضی که در آن نفعی باشد حرام است. امامؑ فرمود: آیا بهترین قرض، قرضی نیست که نفعی داشته باشد؟ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص۲۸۶).

ب) *یعقوب‌بن‌شعیب* از امام *صادق*ؑ نقل می‌کند که:

از ایشان در مورد مردی (خریدار کالا) که در معامله‌ای ۲۰ دینار را به عنوان سلم به فروشنده کالا (صاحب سلم) داده، بنا بر اینکه فروشنده ۱۰ یا ۲۰ دینار به او قرض دهد. حضرت فرمودند: جایز نیست؛ چون قرض منجر به منفعتی گردیده، جایز نیست (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۸، ص۳۵۶).

در این دو روایت، رفتار معاملی دوطرفه مشاهده می‌شود؛ بر این اساس در روایت اول رفتار معاملی قرض‌گیرنده در واقع ورود در یک عقد دیگر، یعنی عقد رهن است که وقتی با اجازه استفاده همراه می‌شود برای قرض‌دهنده منافعی به همراه دارد؛ در واقع قرض‌دهنده

از این معامله متقابل (عقد رهن) منتفع می‌شود. با توجه به اینکه این دو معامله به یکدیگر شرط نشده‌اند، نفع متقابل موجود تأیید شده است.

در روایت دوم، فروشنده کالا به خریدار قرض می‌دهد تا از او کالایی را به‌صورت سلف خریداری کند. با توجه به اینکه از ظاهر روایت و پاسخ امام﵇ این‌طور برداشت می‌شود که قرض به‌شرط بیع بوده؛ لذا این معامله تأیید نشده است و به نظر می‌رسد علت ایجاد اشکال در معامله وجود شرط است؛ بنابراین اگر شرط وجود نداشته باشد نفع متقابل اشکالی نخواهد داشت.

مبانی فقهی سپرده‌های امتیازی

علاوه بر روایات، در منابع فقهی نیز برخی مسائل توسط فقها و اندیشمندان مطرح شده که لازم است در طراحی سپرده‌های امتیازی به آنها توجه نمود. در این قسمت به سه مورد از مهم‌ترین این مسائل اشاره می‌شود.

۱. ربوی‌نبودن زیاده غیر مشروط در عقد قرض

هرچند فقهای اسلامی به پیروی از آیات و روایات، وجود هرگونه زیاده مشروط در عقد قرض را مشمول ربای قرضی می‌دانند، اما زیاده غیر مشروط از تعریف ربا خارج است. توضیح آنکه به لحاظ فقهی ربای قرضی صرفاً با وجود سه مسئله شکل می‌گیرد و نبود یکی از آنها معامله را از ربوی‌بودن خارج می‌کند. این سه مسئله عبارت‌اند از: قرض، شرط و زیاده (نجفی، ۱۴۱۷ق، ج۲۵، ص۳۲۲).

به عبارت دیگر قرارداد باید قرض بوده، در آن زیاده وجود داشته و این زیاده مشروط باشد. بر این اساس، دریافت زیاده مشروط در سایر قراردادها غیر از قرض ـ مانند مرابحه یا اجاره ـ ربا محسوب نمی‌شود؛ همچنین اگر زیاده در قرارداد موجود باشد؛ اما شرطی در رابطه با آن مطرح نگردد نمی‌توان قرارداد را ربوی محسوب کرد. نهایت اینکه هر شرط قراردادی زیاده محسوب نمی‌شود؛ به عنوان مثال شروط زمان و مکان یا ضمان را نمی‌توان شرط زیاده محسوب کرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ص۷۴).

۲. عدم تفاوت شرط زیاده صریح و ضمنی (تبانی)

مسئله فقهی دیگری که در اینجا قابل طرح است به تفاوت شروط زیاده صریح و تبانی بازمی‌گردد. در واقع زیاده در عقد قرض می‌تواند یا به‌صورت صریح در متن قرارداد ذکر شود و یا اینکه در متن قرارداد ذکر نشود؛ اما به‌صورت ضمنی در قرارداد موجود باشد؛ یعنی هر دو طرف معامله بدانند که قرارداد مبتنی بر شرط است؛ به‌طوری‌که اگر نباشد حداقل یکی از طرفین قرارداد منصرف می‌شود. در منابع فقهی از این شروط ضمنی تحت عناوینی چون شروط تبانی، شروط مبنی‌علیه‌العقد یا شروط مضمر نام برده شده است. بر این اساس زیاده مشروط در عقد قرض چه به‌صورت شرط صریح و چه شرط تبانی، ربای قرضی محسوب می‌شود.

در این رابطه برخی از فقها این‌طور مطرح کرده‌اند:

> در عقد قرض شرط زیاده جایز نیست؛ مثل اینکه مالی را قرض دهد مشروط بر اینکه زیادتر از آنچه داده است بگیرد و تفاوتی نیست بین اینکه شرط به‌صورت صریح در قرارداد قرض آمده باشد یا به‌صورت شرط ضمنی، به‌گونه‌ای که قرارداد قرض با توجه ـ و بر اساس آن ـ صورت پذیرد و این همان ربای قرضی حرام است که شدیداً از آن نهی شده است (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج۲، ص۶۵۳).

برخی دیگر از فقها نیز در این رابطه این‌طور مطرح می‌کنند:

> شرط مضمر و غیر مضمر در تمام معاملات ممکن است ایجاد شود؛ مانند بیع، اجاره، نکاح، صلح، قرض و غیره. در همه‌جا، گاه شرط در متن قرارداد ذکر می‌شود که به این نوع از شرط، شرط صریح می‌گویند. ولی گاهی قبل از قرارداد صحبت‌ها و شرایط ذکر می‌شود و بر آن توافق می‌کنند سپس صیغه عقد بدون تصریح به آن شرایط ـ ولی با توجّه به آنها ـ اجرا می‌گردد. این را شرط مبنی‌علیه‌العقد یا شرط مضمر می‌نامند. علّت اینکه به شرط در متن عقد تصریح نمی‌شود، یکی از دو چیز است: اینکه چون مورد شرط قبلاً توافق شده است؛ لذا طرفین معامله نیازی به ذکر آن نمی‌بینند یا اینکه شرطیت شرط، کاملاً روشن است و نیازی به ذکر آن وجود ندارد. مثل اینکه سالم‌بودن جنس را در معاملات، هیچ‌کس شرط نمی‌کند چون شرطیت سلامت در کالا، روشن و بدیهی است، یا سلامت در مورد اجاره را شرط نمی‌کنند؛ زیرا بدیهی است که مورد اجاره را باید سالم تحویل دهد؛ نتیجه اینکه شرطی که در عقود مطرح می‌گردد دو قسم است: شرط صریح و شرط مبنی‌علیه‌العقد

و در مورد ربا هرگونه شرط اضافی در قرض به هر یک از دو صورت فـوق، حـرام اسـت (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ص۵۲).

علاوه بر بحث فقهی، به لحاظ حقوقی نیز بحث شروط ضمنی و نقش آنها در ایجاد ربای قرضی، در قوانین مطرح است. در ماده اول قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی آمده است:

ربا بر دو نوع است: الف) ربای قرضی و آن بهره‌ای است کـه طبـق شـرط یـا بنـابر روال، مقرض از مقترض دریافت نماید. ب) ربای معاملی و آن زیاده‌ای است که یکـی از طـرفین معامله زائد بر عوض یا معوض از طرف دیگر دریافت کند؛ به شرطی که عوضین مکیل یـا موزون و عرفا یا شرعاً از جنس واحد باشند.*

در این ماده عبارت «بنابر روال» به شرط ضمنی اشاره دارد (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص۵۵).

۳. تفاوت قصد معاملی با داعی (انگیزه)

نکته دیگری که در اینجا قابل تأمل می‌باشد، به تفاوت فقهی «قصد معاملی» با «داعی یا انگیزه» باز می‌گردد. توضیح آنکه اگر در عقد قرض قصد معاملی قرض‌دهنده دستیابی به زیاده باشد، قرارداد با چالش ربای قرضی مواجه خواهد بود؛ اما اگر قرض‌گیرنده به‌صورت غیر مشروط مازادی بپردازد و این مازاد داعی یا انگیزه برای قرض‌دهنده باشد، معامله ربوی محسوب نمی‌شود.

تفاوت این حالت (صرف وجود داعی) با مورد وجود قصد معاملی (شرط ضمنی یا تبانی) در رابطه با زیاده، آن است که شرط در مورد دوم، قید معنوی محسوب می‌شود که ادامه عقد منوط به تحقق آن است. این مسئله اصطلاحاً با عبارت «حیثیت تقییدی» توصیف می‌شود و عمل به قرارداد در صورتی صادق است که به آن شرط عمل شود؛** اما در حالت صرف وجود داعی، پرداخت زیاده قید معامله محسوب نمی‌شود و فقط در انگیزه قرض‌دهنده اثر دارد. این مسئله اصطلاحاً با عبارت «حیثیت تعلیلی» توصیف می‌شود که تخلف از آن، مضر به معامله نیست. بر این اساس در فقه قاعده مشهوری وجود دارد که

*. جهت دریافت متن کامل قانون مذکور به این لینک مراجعه شود:
http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90948.

**. به تعبیر برخی از فقها: «المرتکز عرفاً کالمشروط عرفاً» (تسخیری، ۱۳۸۶، ص۱۲).

بیان می‌دارد: «تخلف از داعی به صحت و ادامه معامله آسیبی نمی‌زند و هیچ تأثیری در عقد ندارد» (انصاری، ۱۴۰۶ق، ج۵، ص۱۵۹).

در این رابطه برخی از فقها این‌طور مطرح کرده‌اند:

> نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه داشت، تفاوت شرط و داعی (انگیزه) است. شرط آن است که جزء قرارداد معامله باشد یا صریحاً و در موقع قرارداد و یا به‌صورت مبنی‌علیه العقد ـ که شرط قبل از عقد مطرح شده، عقد بنابر آن منعقد گردد و به‌هرحال جزء قرارداد باشد ـ؛ اما داعی (انگیزه) آن است که چیزی ضمن قرارداد ذکر نشود و حق طلبکاری وجود نداشته باشد؛ ولی توجه به آن، انگیزه انجام معامله است؛ درحالی‌که هیچ شرطی نه صریحاً و در متن قرارداد و نه به‌صورت شرط مبنی‌علیه‌العقد ذکر نشده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص۷۴).

بر این اساس، اگر یک نهاد مالی با توجه به مدت و مبلغ سپرده‌گذاری نسبت به پرداخت قرض‌الحسنه اقدام کند، درصورتی‌که وجود وام در قصد سپرده‌گذاران تأثیر داشته باشد ـ به‌نحوی‌که به قصد دستیابی به وام و مبتنی بر آن سپرده‌گذاری کنند ـ شبهه ربای قرضی جدی خواهد بود؛ اما اگر سپرده‌گذاران با انگیزه (داعی) رسیدن به وام اقدام به سپرده‌گذاری کنند و وجود وام مشوق آنها در انجام سپرده‌گذاری باشد، اشکالی ندارد.

مدل‌های عملیاتی سپرده‌های امتیازی در چارچوب اسلامی

با توجه به مباحثی که در قسمت‌های قبل مطرح شد، به نظر می‌رسد می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های مطرح‌شده در روایات و منابع فقهی، نسبت به طراحی سپرده‌های امتیازی در چارچوب عقود اسلامی در دو مدل عملیاتی اقدام نمود. بر این اساس در این قسمت به تبیین این مدل‌ها پرداخته می‌شود.

۱. مدل قرض‌محور (سپرده‌پذیری و اعطای وام بر اساس قرض‌الحسنه غیر مشروط)

مدل قرض‌محور اولین الگویی است که با استفاده از آن می‌توان به ارائه سپرده‌های امتیازی در چارچوب شرعی اقدام نمود. در ادامه ابتدا به تبیین این مدل پرداخته، سپس ابعاد فقهی آن بررسی خواهد شد.

تبیین

در این مدل، نهاد مالی (صندوق قرض‌الحسنه، بانک یا مؤسسه اعتباری) از یک طرف از عده‌ای از مشتریان منابعی را تحت عنوان سپرده قرض‌الحسنه دریافت کرده و از سوی دیگر آن را به گروه دیگری از مشتریان قرض‌الحسنه پرداخت می‌کند.

در اینجا نهاد مالی با انباشت سپرده‌های قرض‌الحسنه خرد گروهی از مشتریان، از این منابع جهت پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به گروهی دیگر استفاده می‌کند. در واقع، نهاد مالی برای مشتریان ـ متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌گذاری ـ امتیاز دریافت وام قرض‌الحسنه در نظر می‌گیرد و از این طریق فرصت مشارکت در «نظام قرض‌الحسنه متقابل» را برای آنها فراهم می‌کند.

در این چارچوب مشتری می‌تواند از یک‌سو با سپرده‌گذاری منابع خرد به‌صورت تدریجی، امکان پرداخت به افراد دیگر را فراهم می‌کند و در سنت قرض‌الحسنه مشارکت می‌کند و از سوی دیگر به‌صورت نسبی مطمئن باشد که در آینده و زمانی که نیاز پیدا کرد، می‌تواند از امتیاز قرض‌الحسنه نهاد مالی برخوردار شود.

نهاد مالی به لحاظ حقوقی، منابع مشتریان را بر اساس قرارداد قرض از آنها دریافت می‌کند؛ اما در متن قرارداد هیچ نوع تعهد یا شرطی ـ صریح یا ضمنی ـ مبنی بر پرداخت قرض‌الحسنه متقابل ذکر نمی‌شود. بااین‌حال در عمل رویه بانک آن است که به عنوان امتیاز ـ جهت تقدیر و تشکر ـ به سپرده‌گذاران، قرض‌الحسنه پرداخت کند.

در واقع، نهاد مالی صرفاً تعهد اخلاقی داخلی مبنی بر عمل به رویه‌های رایج جهت پرداخت امتیاز قرض‌الحسنه دارد و هیچ نوع تعهد قراردادی (حقوقی) نه به‌صورت صریح و نه به‌صورت ضمنی نسبت به سپرده‌گذاران وجود ندارد. بر این اساس اگر مؤسسه پس از سپرده‌گذاری مشتری به هر دلیل از پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ناتوان شود و یا اینکه میزان آن از مقداری که معمولاً پرداخت می‌شود کمتر باشد مشتری حق هیچ‌گونه اعتراضی را نخواهد داشت.

در این مدل، نهاد مالی می‌تواند به اندازه هزینه‌های متعارفی که جهت مدیریت الگوی سپرده‌های امتیازی صرف می‌کند، از مشتریان کارمزد دریافت کند که این کارمزد می‌تواند

شامل هزینه اجاره ساختمان، دستمزد کارکنان و غیره باشد؛ در واقع کارمزد باید صرفاً به اندازه «مزد کار» و «هزینه‌های مرتبط» دریافت شود.

تحلیل فقهی

منطق اصلی این مدل دریافت سپرده از مشتریان بر اساس عقد قرض و پرداخت قرض‌الحسنه بدون شرط قبلی به آنها می‌باشد که به لحاظ فقهی تأیید شده است. دریافت کارمزد نیز به اندازه مزد کار برخوردار از تأیید مشهور فقهاست. بااین‌حال چالش‌هایی در تحلیل فقهی این مدل دارای اهمیت است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) تبدیل‌شدن شرط صریح زیاده به‌شرط ضمنی

اولین نکته‌ای که در رابطه با مدل قرض‌محور جهت طراحی سپرده‌های امتیازی مطرح می‌شود، خطر تبدیل شدن امتیاز به تعهد نهاد مالی است؛ در واقع هرچند در متن قرارداد سپرده‌پذیری که بین نهاد مالی و مشتری امضا می‌شود، بحثی در رابطه با تعهد پرداخت وام قرض‌الحسنه وجود ندارد؛ اما ممکن است در ضمن قرارداد چنین شرطی موجود باشد که این سبب ایجاد ربای قرضی می‌گردد؛ زیرا به لحاظ فقهی تفاوتی بین شروط صریح و ضمنی وجود ندارد و هر دو سبب ایجاد ربا می‌گردند؛ یعنی هر دو طرف معامله بدانند؛ هرچند شرط پرداخت قرض‌الحسنه در معامله به‌صورت کتبی ذکر نشده؛ اما این شرط وجود دارد و قرارداد مبتنی بر آن است به‌طوری‌که اگر نباشد، مشتری از قرارداد منصرف می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۱، ص۸۸).

با توجه به آنچه مطرح شد، لازم است در الگوی قرض محور جهت طراحی سپرده‌های امتیازی، حتماً تدابیر مناسب و کافی جهت جلوگیری‌کردن از ایجاد شرط ضمنی اندیشیده شود؛ به عنوان مثال صراحتاً به مشتری اعلام گردد که امتیازهای دریافتی هیچ‌گونه حقی برای وی و تکلیفی برای نهاد مالی ایجاد نمی‌کند؛ البته همان‌طور که قبلاً ذکر شد، وجود داعی (انگیزه) در مشتریان جهت دریافت وام، اشکال شرعی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنچه به لحاظ شرعی مهم است نبود شرط ـ صریح یا ضمنی ـ است و لذا صِرف وجود داعی اشکالی به صحت معامله وارد نمی‌کند.

ب) تبدیل قرارداد به حیله ربا

مسئله دیگری که در رابطه با استفاده از الگوی قرض‌محور جهت طراحی سپرده‌های امتیازی مطرح می‌شود، مسئله حیله رباست؛ به این معنی که این مدل در واقع همان ربای قرضی است و پیچیدگی‌های ایجادشده در آن صرفاً نوعی حیله برای فرار از ربا محسوب می‌شود؛ این در حالی است که کلیه حیله‌های ربا بر اساس نظر خیلی از فقهای معاصر باطل است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص۴۴).

در پاسخ به این مسئله می‌توان این‌طور مطرح نمود که در الگوی قرض‌محور جهت طراحی سپرده‌های امتیازی ـ با فرض اجرای آن به‌صورت صحیح و تعهدآورنبودن امتیازهای مشتری ـ اساساً ربا وجود ندارد؛ زیرا نه سپرده‌گذاران و نه نهاد مالی هیچ‌کدام قصد رباخواری ندارند. هدف سپرده‌گذار آن است که منابع خود را صرف امور قرض‌الحسنه کرده و در مقابل از این اطمینان نسبی برخوردار باشد که در آینده بتواند از قرض‌الحسنه استفاده کنند. هدف نهاد مالی نیز اختصاص منابع قرض‌الحسنه دریافتی به افراد نیازمند است؛ لذا ربا در اینجا مصداقی ندارد و نمی‌توان این مدل را حیله یا پوششی برای دریافت و پرداخت ربا محسوب کرد.

پ) چالش کارمزد

مقوله دیگری که در رابطه با این مدل مطرح می‌شود مسئله کارمزد است. در رابطه با کارمزد سه نکته قابل توجه است: اولاً، برخی از فقها منتقد اصل امکان دریافت کارمزد در عقد قرض هستند؛ با این استدلال که به لحاظ فقهی هر نوع زیاده‌ای در عقد قرض مشمول حرمت ربا قرار می‌گیرد و کارمزد هم هرچند مزد کار باشد، باز هم نوعی زیاده است؛ البته مشهور فقها کارمزدی که صرفاً به اندازه هزینه‌ها و مزد کار باشد را زیاده محسوب نمی‌کنند و لذا آن را ربوی نمی‌دانند (موسویان، ۱۳۹۲، ص۲۰۱).

ثانیاً، مصادیق هزینه‌های کارمزد نیز محل بحث فقها می‌باشد. اینکه کدام‌یک از هزینه‌های نهاد مالی را می‌توان حقیقتاً مزد کار محسوب کرد و کدام‌یک را نمی‌توان مزد کار دانست، خود چالشی فقهی محسوب می‌شود. نکته پایانی و مهم‌تر آنکه در عقد قرض کارمزد نمی‌تواند بیشتر از مزد کار باشد؛ لذا دریافت مازاد کارمزد توجیه شرعی ندارد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵، ص۳۲۰).

با توجه به این سه نکته به نظر می‌رسد در مدل قرض‌محور جهت طراحی سپرده‌های امتیازی ـ با فرض مبنا قراردادن نظر مشهور و روشن‌بودن هزینه‌ها ـ نهاد مالی نمی‌تواند کارمزد را به‌صورت صلاحدیدی تعیین کند؛ بلکه باید صرفاً به اندازه هزینه‌ها نسبت به دریافت کارمزد اقدام نماید. این مسئله یکی از محدودیت‌های این مدل محسوب می‌شود.

۲. مدل وکالت‌محور (سپرده‌پذیری و اعطای قرض‌الحسنه بر اساس عقد وکالت)

الگوی دیگری که با استفاده از آن می‌توان به ارائه سپرده‌های امتیازی در چارچوب شرعی اقدام نمود، الگوی وکالت‌محور است. در ادامه ابتدا به تبیین این مدل پرداخته شده و سپس ابعاد فقهی آن بررسی خواهد شد.

تبیین

در این مدل، نهاد مالی ـ که می‌تواند صندوق قرض‌الحسنه، بانک یا مؤسسه اعتباری باشد ـ بر اساس عقد وکالت نسبت به دریافت سپرده از مشتریان اقدام می‌کند و متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌گذاری برای آنها امتیاز دریافت قرض‌الحسنه در نظر می‌گیرد؛ در واقع در این الگو مجموعه‌ای از افراد بانک را وکیل خود در انجام فعالیت‌های قرض‌الحسنه و پرداخت قرض‌الحسنه متناسب با امتیازهای داده‌شده می‌کنند.

در اینجا نهاد مالی در هر بازه زمانی با جمع‌آوری منابع خرد از چندین هزار یا میلیون نفر ـ مانند الف، ب و ... ـ از این منابع جهت پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به ده‌ها یا صدها نفر دیگر ـ مانند ص، ض و ... ـ استفاده می‌کند.

در این چارچوب مشتری از یک‌سو می‌تواند با وکیل نمودن بانک از طریق سپرده‌گذاری، در امر خیری به نام قرض‌الحسنه همکاری کرده و به افراد نیازمند در زمان حال قرض‌الحسنه دهد، از سوی دیگر با دریافت امتیاز دریافت قرض‌الحسنه، زمینه تأمین مالی خود در آینده را نیز فراهم می‌نماید.

به لحاظ حقوقی در اینجا اساساً رابطه قرض‌گیرنده و قرض‌دهنده بین نهاد مالی و مشتریان شکل نمی‌گیرد؛ بلکه نهاد مالی وکیل آنها در انجام فعالیت‌های قرض‌الحسنه محسوب می‌شود و برای آنها نیز امتیاز دریافت وام در نظر می‌گیرد.

در این مدل نهاد مالی می‌تواند بابت انجام وکالت، به هر میزان که صلاح می‌داند از سپرده‌گذاران یا گیرندگان قرض‌الحسنه بابت واسطه‌گری مالی کارمزد دریافت کند و برخلاف مدل قرض‌محور، دلیلی وجود ندارد که کارمزد صرفاً به اندازه مزد کار باشد؛ بلکه کارمزد در واقع دستمزد واسطه‌گری مالی است و بر اساس صلاحدید نهاد مالی و نهاد ناظر (بانک مرکزی) تعیین می‌شود؛ لذا دست نهاد مالی در تعیین کارمزد باز است و این یکی از مزیت‌های اصلی این مدل نسبت به مدل قرض‌محور محسوب می‌شود؛ به بیان دیگر در الگوی وکالت‌محور این سپرده‌گذاران هستند که به متقاضیان، قرض‌الحسنه می‌پردازند و نهاد مالی در عملیات سپرده‌پذیری یا اعطای قرض‌الحسنه هیچ یک از طرفینِ قراردادِ قرض محسوب نمی‌شود؛ بلکه نقش واسطه و نمایندگی را ایفا می‌کند و در واقع وجوه سپرده‌گذاران را جمع‌آوری کرده و به وکالت از طرف آنها به متقاضیان قرض‌الحسنه می‌پردازد و در قبال این واسطه‌گری، کارمزد دریافت می‌کند.

تحلیل فقهی

مدل وکالت‌محور بر اساس عقد محوری وکالت شکل می‌گیرد که به لحاظ فقهی تأیید شده است؛ همچنین آزادبودن وکیل و واسطه در تعیین کارمزد نیز با شبهه شرعی مواجه نیست. بااین‌حال نکاتی در تحلیل فقهی این مدل دارای اهمیت است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

الف) شکل‌گیری روابط طرفینی (قرض متقابل مشروط)

اولین نکته‌ای که در رابطه با الگوی وکالت‌محور جهت ارائه سپرده‌های امتیازی قابل طرح است شکل‌گیری روابط طرفینی (قرض متقابل مشروط) بین مشتریان است؛ به این معنی که شخص الف و ب منابعی را در زمان حال در اختیار نهاد مالی قرار می‌دهند تا با استفاده از آن به شخص پ قرض‌الحسنه دهد، مشروط بر آنکه در آینده شخص پ به اشخاص الف و ب قرض‌الحسنه بپردازد.

در واقع شخص پ در زمان حال، قرض‌الحسنه‌ای دریافت کرده است که دارای شرط مازاد (تعهد به پرداخت وام به دو شخص دیگر) است و این ربای قرضی محسوب می‌شود. واسط‌کردن نهاد مالی در این بین نیز مشکل را حل نمی‌کند؛ زیرا نهاد مالی در واقع

در امر ربا وساطت کرده است که نه تنها مشکل را برطرف نمی‌کند؛ بلکه بر اساس روایات امری مذموم است (صدر، ۱۳۸۸، ص۵۶).

در پاسخ به این شبهه می‌توان این‌طور مطرح نمود که نهاد مالی با تعداد زیادی از سپرده‌گذاران و مشتریان ارتباط دارد و لذا شکل‌گیری روابط طرفینی با مشتریان معنی پیدا نمی‌کند. در واقع اگر نهاد مالی صرفاً یک یا دو سپرده‌گذار داشت این احتمال وجود داشت که این سپرده‌گذاران با یکدیگر و با نهاد مالی روابط طرفینی ایجاد کنند؛ اما وقتی نهاد مالی با تعداد بسیار زیادی از سپرده‌گذاران کار می‌کند، شکل‌گیری قرض متقابل مشروط بین مشتریان با یکدیگر معنی ندارد.

بر این اساس، به دلیل آنکه افراد متعددی این نوع سپرده‌های امتیازی را افتتاح می‌کنند (نهاد مالی را وکیل خود می‌کنند)، این‌گونه نیست که نهاد مالی پول را از فرد الف و ب دریافت کرده و به فرد پ قرض‌الحسنه دهد؛ مشروط بر اینکه در آینده فرد پ به دو شخص الف و ب قرض‌الحسنه بپردازد؛ بلکه بانک در زمان حال با استفاده از منابع صدها نفر مانند الف و ب به ده‌ها نفر مانند پ و ت تسهیلات می‌دهد و در آینده ـ زمانی که فرد الف و ب به تسهیلات نیاز پیدا کردند ـ از منابع صدها نفر دیگر مانند ث و ج جهت پرداخت تسهیلات استفاده می‌کند. بر این اساس به لحاظ عرفی امکان شکل‌گیری روابط طرفینی وجود ندارد؛ به بیان دیگر در این الگو هیچ شرط زیاده عینی یا حکمی با گیرندگان قرض‌الحسنه نمی‌شود؛ بلکه از آنها خواسته می‌شود که تنها اقساط وام قرض‌الحسنه‌ای که دریافت کرده‌اند را به نهاد مالی برگردانند؛ به عبارت دیگر قرض‌گیرنده هیچ تعهدی جهت پرداخت وام به سپرده‌گذاران ارائه نمی‌دهد؛ بلکه این نهاد مالی است که ـ به عنوان وکیل و واسطه ـ با استفاده از هنر مدیریت خود به سپرده‌گذاران وعده پرداخت وام می‌دهد. نباید فراموش کرد که قرض ربوی در شرایط وحدت تعهددهنده و قرض‌گیرنده اتفاق می‌افتد.

ب) تبعی‌بودن عقد وکالت نسبت به قرض و امکان ایجاد ربا

این شبهه بیان می‌دارد که وکالت خود یک عقد مستقل و کامل مانند عقود دیگر نیست و نیازمند موضوعی جهت وکالت است (السان، ۱۳۸۹، ص۲۳)؛ مثلاً وکالت در مرابحه، وکالت در مشارکت، وکالت در جعاله، وکالت در انجام یک کار و غیره. در اینجا نیز وکالت جهت

امر قرض‌الحسنه صورت پذیرفته است؛ لذا آنچه اصل می‌باشد قرض است و نه وکالت؛ گویا نهاد مالی از سپرده‌گذار در زمان حال قرض می‌گیرد و به وی امتیازی ارائه می‌کند که نشان‌دهنده حق او جهت دریافت وام در آینده می‌باشد؛ از سوی دیگر این امتیاز دارای ارزش مالی بوده و عملاً زیاده در عقد قرض محسوب می‌شود. این مسئله سبب می‌گردد شبهه ربای قرضی در این مدل وجود داشته باشد.

در پاسخ به این اشکال می‌توان این‌طور بیان نمود که گرچه وکالت از دید قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده عقد مستقل به حساب نمی‌آید؛ اما از منظر وکیل یک کار مستقل محسوب می‌شود؛ یعنی وکیل مأمور می‌شود وجوهی را به‌صورت مرتب تجمیع کرده و از طرف صاحبان وجوه به متقاضیان قرض‌الحسنه دهد، سپس اقساط آنها را مطابق زمانبدی دریافت نماید و بر اساس خدماتی که ارائه می‌کند کارمزد خدمات دریافت نماید.

حتی اگر فرض کنیم که وکالت عقد مستقلی نباشد باز هم مشکل خاصی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا هرچند در مدل وکالت‌محور نهاد مالی به عنوان وکیل سپرده‌گذاران وجوه آنها را به متقاضیان قرض می‌دهد؛ اما به هیچ وجه با آنها شرط نمی‌کند که به سپرده‌گذاران، وام متقابل بپردازند؛ بلکه این نهاد مالی است که به موکلان خود تعهد پرداخت وام در صورت تقاضا می‌دهد و مطابق روایات و فقه اسلامی، اشتراط زیاده بر قرض‌گیرنده، ربا محسوب می‌شود و نه اشتراط زیاده بر وکیل و کارگزار؛ لذا شبهه مذکور وارد نخواهد بود.

پ) تبدیل قرارداد به حیله ربا

اشکال دیگری که در مدل وکالت‌محور جهت طراحی سپرده‌های امتیازی ممکن است مطرح شود، مسئله حیله رباست؛ به این معنی که شرکت‌کنندگان در این مدل حقیقتاً قصد فعالیت‌های قرض‌الحسنه ندارند؛ بلکه می‌خواهند به یکدیگر قرض داده و از سوی دیگر از حق دریافت وام در آینده برخوردار شوند. بر این اساس استفاده از عقد وکالت نیز صرفاً حیله‌ای برای فرار از ربا محسوب می‌شود.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت اولاً در این مدل رابطه قرض‌گیرنده ـ قرض‌دهنده بین سپرده‌گذار و نهاد مالی وجود ندارد و لذا ربا اساساً قابل تصور نیست. ثانیاً این مدل حیله ربا محسوب نمی‌شود؛ زیرا نه سپرده‌گذار قصد رباخواری و نه نهاد مالی نیت

پرداخت ربا دارد؛ بلکه سپرده‌گذار نهاد مالی را وکیل خود جهت مدیریت سپرده در راستای امری خیر (پرداخت قرض‌الحسنه) کرده و از محل این وکالت امتیاز دریافت می‌کند؛ به بیان دیگر این مدل زمینه تعاون و همکاری متقابل افراد برای توسعه سنت قرض‌الحسنه را فراهم می‌آورد، بدون اینکه شرط و تعهد زیاده‌ای نسبت به قرض‌گیرندگان وجود داشته باشد. در واقع این نهاد مالی است که با استفاده از هنر مدیریت و واسطه‌گری مالی می‌تواند به سپرده‌گذاران تعهد پرداخت وام دهد.

ت) تعهدآوربودن امتیاز

نکته دیگر آن است که در مدل وکالت‌محور بر خلاف مدل قرض‌محور، امتیاز از طرف نهاد مالی به عنوان حق دریافت وام به مشتری ارائه می‌شود و این برای نهاد مالی تعهدآور است. به این معنی که اگر در آینده به هر دلیل اقدام به پرداخت وام نکند، یا مبلغ آن نسبت به آنچه در ابتدا وعده داده شده متفاوت باشد، مشتری حق اعتراض قانونی خواهد داشت.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که آنچه سبب ایجاد ربا می‌گردد، تعهد زیاده در عقد قرض نسبت به قرض‌گیرنده است؛ درحالی‌که در مدل وکالت‌محور، اساساً عقد قرضی بین سپرده‌گذاران و نهاد مالی امضا نمی‌شود که مسئله تعهد زیاده در آن چالش ایجاد کند. آنچه استفاده می‌شود عقد وکالت است که شروط ضمن آن ـ از جمله دادن امتیاز دریافت وام به‌صورت قطعی ـ به لحاظ شرعی پذیرفته شده است.

ث) تعیین کارمزد بیش از هزینه‌ها

آخرین نکته‌ای که در رابطه با این مدل قابل طرح است، آزادبودن نهاد مالی در تعیین کارمزد است. در واقع، ممکن است کارمزد بیش از هزینه‌ها تعیین شود و این می‌تواند سبب اجحاف در حق مشتریان گردد.

در پاسخ به این اشکال می‌توان این‌طور مطرح کرد که یکی از مزیت‌های مهم و اصلی مدل وکالت‌محور در مقایسه با مدل قرض‌محور، آزادی عمل نهاد مالی در تعیین کارمزد و تغییر آن متناسب با شرایط اقتصادی است. این کارمزد در واقع دستمزد خدماتی است که نهاد مالی به متقاضی قرض‌الحسنه ارائه می‌کند که می‌تواند به‌صورت صلاحدیدی تعیین شود؛ به عبارت دیگر از منظر همه فقها در چارچوب عقد وکالت و ارائه خدمات، امکان

دریافت اصل کارمزد و تعیین میزان آن به‌صورت صلاحدیدی وجود دارد و این با ضوابط فقهی در تعارض نیست.

البته طبیعی است که در شرایط بازار رقابتی اگر کارمزد خیلی زیاد تعیین شود از سپرده‌گذاران نهاد مالی کاسته خواهد شد و به همین دلیل به‌صورت طبیعی این انتظار وجود دارد که با توسعه فعالیت‌های قرض‌الحسنه امتیازی، کارمزد به‌صورت منصفانه و رقابتی تعیین شود؛ همچنین تمامی نهادهای مالی در اکثر کشورها، زیر نظر نهادهای ناظر مانند بانک مرکزی فعالیت می‌کنند که این بانک در مواقع نیاز دخالت کرده و حدودی را برای کارمزد خدمات بانکی تعیین می‌کند.*

شبهات استفاده از الگوی‌های سپرده امتیازی و راهکارها

در قسمت‌های قبل، مدل‌های قرض‌محور و وکالت‌محور جهت استفاده از ایده سپرده‌های امتیازی در چارچوب فقه امامیه و قانون عملیات بانکی بدون ربا مطرح شد. بااین‌حال به نظر می‌رسد استفاده شبکه بانکی از آنها در عمل با شبهاتی همراه باشد که در این قسمت به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱. ناسازگاری با فلسفه و حکمت تحریم ربا

اولین شبهه‌ای که در رابطه استفاده عملی از الگوهای سپرده امتیازی ـ شامل الگوی قرض‌محور یا وکالت‌محور ـ مطرح می‌شود، به مسئله ناسازگاربودن آنها با فلسفه و حکمت تحریم ربا بازمی‌گردد. این شبهه بیان می‌دارد که مطرح‌کردن مدل‌های سپرده امتیازی نوعی دورزدن فلسفه و حکمت تحریم رباست؛ زیرا عرف مردم تفاوتی بین این مدل‌ها و ربای قرضی در نظر نمی‌گیرد و به همین دلیل این مدل‌ها حیله ربا محسوب می‌شوند که به نظر مشهور فقها ناصحیح‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج۲، ص۳۱/ نجفی، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص۱۱۲).

* علی‌رغم تحلیل‌های فقهی ارائه‌شده در این قسمت، جهت تقویت امکان استفاده از مدل‌های پیشنهادی در عمل، استفتائاتی از مراجع عظام تقلید انجام شده که این استفتائات به همراه پاسخ‌های دریافت‌شده در قسمت ضمیمه قرار گرفته است.

در واقع عموم مردم بین «قرض به شرط قرض» که ربا محسوب می‌شود و «مدل‌های سپرده امتیازی»، چه مبتنی بر عقد قرض و چه مبتنی بر عقد وکالت تفاوتی در نظر نمی‌گیرند و آنها را نیز ربوی می‌دانند؛ به عبارت دقیق‌تر عرف این شیوه‌ها را نوعی حیله برای فرار از ربا محسوب می‌کند (پویان، ۱۳۹۳، ص۴۴).

در پاسخ این شبهه می‌توان این‌طور مطرح نمود که صرف شباهت یک رابطه حقوقی با ربای قرضی دلیل بر ربوی‌بودن آن محسوب نمی‌شود؛ همان‌طور که برخی عقود مجاز مانند مرابحه و بیع دین با ربای قرضی شباهت دارند؛ اما به لحاظ فقهی از مشروعیت برخوردارند و کسی آنها را حیله ربا نمی‌داند (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵، ص۳۳۳)؛ به بیان دیگر گاهی عرف به خاطر عدم دقت در تفاوت‌ها، مقوله‌های حقوقی را شبیه هم تلقی می‌کند، در این موارد شریعت با روشنگری و تبیین تفاوت‌ها، عرف را راهنمایی می‌کند و خطای عرف را تصحیح می‌کند؛ مانند خطای عرف صدر اسلام در تطبیق بیع و ربا (بقره: ۲۷۵).

در مدل‌های ارائه‌شده برای سپرده‌های امتیازی نیز باید به عرف تفهیم نمود که مناط و معیار شکل‌گیری ربا، در تعهدِ گیرنده قرض است که بر اساس شرط، متعهد به پرداخت زیاده می‌شود؛ اما در مدل‌های ارائه‌شده، گیرندگان قرض شرط و تعهدی را نمی‌پذیرند.

بر این اساس مدل‌های سپرده‌های امتیازی هرچند در برخی ویژگی‌ها ممکن است با رابطه قرض به شرط قرض ـ که ربوی است ـ مشابهت داشته باشند؛ اما به دلیل برخی دیگر از ویژگی‌ها نمی‌توان آنها را ربوی در نظر گرفت.

توضیح آنکه در مدل قرض‌محور، امکان دریافت وام بر اساس امتیاز، صرفاً یک تعهد اخلاقی و داخلی از سوی نهاد مالی است که امکان دارد اساساً اجرایی نشود یا مقدار وام به تشخیص نهاد مالی تغییر کند؛ بنابراین این امکان هیچ‌گونه تعهد حقوقی برای نهاد مالی یا حقی برای مشتری ایجاد نمی‌کند.

یادآور می‌شود که مطابق روایات، هر زیاده‌ای در قرارداد قرض ربا محسوب نمی‌شود؛ بلکه تنها زیاده مشروط ربا و حرام است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص۷۷). در مدل قرض‌محور نیز امتیازهای اختصاص‌یافته به مشتری، زیاده عینی یا حکمی محسوب

نمی‌شود؛ زیرا اساساً شرطی وجود ندارد و قرض‌گیرنده یا نهاد مالی بر اساس مصالح خود تصمیم به اعطای امتیاز می‌گیرد.

در مدل وکالت‌محور نیز اساساً ربا شکل نمی‌گیرد؛ زیرا مطابق ظاهر روایات آنچه در مسئله ربا تحریم شده، شرط زیاده بر قرض‌گیرنده است؛ به این معنی که اگر در قرارداد قرض بر قرض‌گیرنده شرط شود که زیاده‌ای عینی یا حکمی بپردازد، این مسئله ربا محسوب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۱، ص۵۵)؛ این در حالی است که در مدل وکالت‌محور، اساساً رابطه قرض‌گیرنده ـ قرض‌دهنده بین مشتری و نهاد مالی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه مشتری نهاد مالی را وکیل خود در انجام فعالیت‌های قرض‌الحسنه می‌کند.

در پایان لازم است ذکر شود که اگر بر اساس برخی روایات حکمت تحریم ربا را مواردی چون ظالمانه‌بودن و جلوگیری از تجارت و غیره بدانیم، هیچ‌کدام از آنها در رابطه با الگوهای سپرده امتیازی قابل تصور نیست؛ چراکه این مدل‌ها دسترسی فقرا و گروه‌های پایین و متوسط درآمدی به تأمین مالی را تقویت کرده و از این مسیر به افزایش رفاه آنها و توسعه اقتصادی کشور کمک می‌کنند.

۲. ناسازگاری توضیحات شفاهی با ماهیت حقوقی قرارداد

مسئله مهم دیگری که در رابطه با سپرده‌های امتیازی مطرح می‌شود، تفاوت توضیح شفاهی کارکنان نهاد مالی با متن مکتوب قرارداد است. در واقع درست است که در متن قرارداد سپرده‌پذیری هیچ شرطی مبنی بر پرداخت وام ارائه نمی‌شود؛ اما ممکن است کارکنان نهاد مالی توضیح شفاهی خود را به نحوی به مشتری ارائه کنند که احساس شرط‌بودن پرداخت وام در وی شکل بگیرد؛ مثلاً کارمند نهاد مالی معمولاً به مشتری می‌گوید اگر ۱۰ میلیون تومان به مدت یک سال سپرده‌گذاری کنید، می‌توانید ۳۰ میلیون تومان قرض‌الحسنه بگیرید. این شیوه تفهیم قرارداد به مشتری سبب ایجاد ذهنیت شرط ضمنی می‌گردد و لذا مشتری می‌تواند در صورت عدم پرداخت وام، به بانک اعتراض کند. این شیوه تفهیم قرارداد شبهه ربای قرضی را به شدت تقویت می‌کند.

جهت حل این چالش لازم است کارکنان نهاد مالی آموزش کافی در رابطه با شیوه صحیح تفهیم مدل قرض‌محور به مشتری دیده باشند به نحوی که بتوانند به شیوه مناسب

آن را توضیح دهند؛ به‌ویژه اینکه بسیاری از مشتریان متن مکتوب قراردادها را مطالعه نکرده و صرفاً آن را امضا می‌کنند و مبنای قصد آنها توضیحات شفاهی کارکنان بانک است.

علاوه بر این لازم است با شفاف‌سازی نبود شرط جهت پرداخت وام با شیوه‌هایی ـ مانند نصب بنر در شعبه، ارسال پیامک به مشتری و غیره ـ سعی شود تا شرط نبودن پرداخت وام به صورت شفاف به مشتریان اعلام گردد.

۳. تضعیف فعالیت‌های قرض‌الحسنه نسل اول

این شبهه بیان می‌دارد که توسعه فعالیت‌های قرض‌الحسنه امتیازی و نسل جدید بر فعالیت‌های قرض‌الحسنه سنتی و نسل اول تأثیر منفی دارد؛ به این معنی که به تدریج افراد مشارکت‌کننده در فعالیت‌های قرض‌الحسنه نسل اول منابع خود را از این فعالیت‌ها خارج کرده و با آنها در مدل‌های سپرده امتیازی مشارکت می‌کنند.

در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت مدل‌های سپرده‌پذیری امتیازی مکمل فعالیت‌های قرض‌الحسنه سنتی است و نه جانشین آنها. توضیح آنکه فعالیت‌های قرض‌الحسنه نسل جدید (امتیازی) به نیاز آن دسته از مشتریان پاسخ می‌دهند که علاوه بر نیت مشارکت در امر قرض‌الحسنه، قصد دریافت وام را نیز دارند (اصطلاحاً وام‌خواه هستند).

این گروه از مشتریان عمدتاً متفاوت از مشتریان فعالیت‌های قرض‌الحسنه نسل اول هستند؛ زیرا مشتریان قرض‌الحسنه سنتی صرفاً با انگیزه معنوی و بدون هیچ‌گونه انگیزه مادی در امر قرض‌الحسنه مشارکت می‌کنند.

بر این اساس به دلیل تفاوت گروه هدف و مخاطبان فعالیت‌های قرض‌الحسنه نسل اول و دوم، توسعه هرکدام از آنها به تضعیف دیگری منجر نمی‌شود. در واقع هر یک از آنها به نیازهای متفاوتی پاسخ می‌دهند و لذا با یکدیگر تعارضی ندارد؛ بلکه در مقابل، به توسعه امر قرض‌الحسنه و احیای این نهاد مالی اسلامی بسیار مهم در کشور کمک می‌کنند.

۴. امکان سوءاستفاده

این شبهه بیان می‌دارد که ممکن است در عمل برخی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی از دو مدل قرض‌محور و وکالت‌محور جهت سپرده‌پذیری امتیازی سوءاستفاده کنند؛ بدین معنی که مشابه سایر عقود اسلامی مانند فروش اقساطی، جعاله، مضاربه و غیره که در

موارد بسیاری به‌صورت صوری اجرا می‌شوند، مدل‌های سپرده‌پذیری امتیازی نیز در عمل به روش‌های صوری تبدیل شوند. این مسئله سبب می‌شود که به تدریج ماهیت قرض‌الحسنه در شبکه بانکی کشور تغییر یابد و شبهات فعلی در سایر عقود، در رابطه با قرض‌الحسنه نیز مطرح شود.

در پاسخ به این شبهه می‌توان این‌طور مطرح کرد که هرچند این مقاله در مرحله طراحی راهکار شرعی برای سپرده‌پذیری امتیازی، رویکرد حداکثری داشته و تلاش می‌کند راهکارهای ممکن را مطرح کند؛ اما این بدان معنی نیست که در عمل تمامی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اجازه استفاده از همه راهکارها را داشته باشند.

در واقع در مرحله اجرا، این وظیفه مقام ناظر (بانک مرکزی) است که با درنظرگرفتن تمامی شرایط، از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند؛ مثلاً ممکن است بانک مرکزی اعلام کند که صرفاً بانک‌های تخصصی قرض‌الحسنه حق استفاده از مدل‌های سپرده‌پذیری امتیازی را دارند یا اینکه با نظارت‌های دقیق از اجرای صوری این شیوه‌ها پیشگیری کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق تلاش کرد سپرده‌های امتیازی را به عنوان نسل جدید فعالیت‌های قرض‌الحسنه ارزیابی نماید. در این رابطه، مبانی نظری و چارچوب علمی استفاده از سپرده‌های امتیازی طرح شد و علاوه بر این، دو مدل عملیاتی قرض‌محور و وکالت‌محور جهت اجرایی‌کردن سپرده‌های امتیازی در نظام مالی مطرح گردید. در نهایت شبهات و چالش‌های مدل‌های عملیاتی تبیین شد و تدابیر لازم جهت مواجهه با آنها طرح گردید. یافته‌های این تحقیق را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

الف) سپرده‌های امتیازی، یکی از نیازهای مالی واقعی نظام مالی کشور است؛ زیرا بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به دلایل مختلف توانایی ارائه خدمات مالی کافی به گروه‌های پایین و متوسط درآمدی را ندارند و به همین دلیل، نیاز به سپرده‌های امتیازی به عنوان نسل جدید فعالیت‌های قرض‌الحسنه کاملاً محسوس است. مسلماً اگر شبکه بانکی و مالی رسمی و مجاز نتواند به این نیاز به شیوه صحیح پاسخ دهد، فعالیت‌های غیر رسمی ـ که معمولاً خارج از چارچوب‌های فقهی و حقوقی انجام می‌شود ـ رشد خواهد کرد.

ب) می‌توان در چارچوب فقه امامیه دو مدل عملیاتی جهت اجرای سپرده‌های امتیازی در نظام مالی کشور ارائه کرد که این دو الگو عبارت‌اند از: «مدل قرض‌محور» و «مدل وکالت‌محور». هر دو مدل از منظر فقه امامیه تأیید می‌شوند و امکان استفاده از آنها در نظام مالی کشور توسط انواع نهادهای مالی مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی وجود دارد؛ البته مدل وکالت‌محور در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیامده و نیاز است اصلاحات مرتبط در قانون اعمال شود. در واقع لازم است اصلاح کوچکی در قانون عملیات بانکی بدون ربا اعمال شود تا به نهادهای مالی اجازه دهد سپرده‌های امتیازی را بر اساس قرارداد وکالت برای قرض‌الحسنه دریافت نمایند.

پ) مدل‌های مذکور از دو جهت تفاوت دارند: اولاً امتیازهای تخصیص‌یافته به مشتریان در مدل قرض‌محور برای نهاد مالی تعهدآور نبوده و برای مشتری حق قانونی و شرعی ایجاد نمی‌کند؛ اما در مدل وکالت‌محور امتیازهای داده‌شده برای نهاد مالی تعهدآور و برای مشتریان حق ایجاد می‌کند. ثانیاً در مدل قرض‌محور کارمزد باید حداکثر به اندازه مزد کار (هزینه‌ها) تعیین شود؛ اما در مدل وکالت‌محور نهاد مالی می‌تواند تحت اشراف نهاد ناظر به صلاحدید خود آن را کمتر یا بیشتر از هزینه‌ها تعیین کند.

ت) فعالیت‌های سپرده‌پذیری امتیازی می‌تواند به صورت بالقوه با برخی شبهات فقهی (مانند ربا) مواجه باشد. به همین دلیل، در نظرگرفتن تدابیر مناسب برای استفاده صحیح و شرعی از این ابزار دارای اهمیت است.

ث) به‌طور خاص در مدل قرض‌محور لازم است کارکنان نهاد مالی، آموزش کافی را در رابطه با شیوه صحیح تفهیم مدل به مشتری کسب کنند به‌نحوی‌که بتوانند به شیوه مناسب مشتری را از نوع فعالیت مالی مطلع نمایند؛ به‌ویژه اینکه بسیاری از مشتریان متن مکتوب قراردادها را مطالعه نکرده و صرفاً آن را امضا می‌کنند و مبنای قصد آنها توضیحات شفاهی کارکنان بانک است؛ علاوه بر این لازم است با شفاف‌سازی نبود شرط جهت پرداخت وام با شیوه‌هایی مانند نصب بنر در شعبه، ارسال پیامک به مشتری و غیره سعی شود شرط نبودن پرداخت وام به صورت شفاف به مشتریان اعلام گردد.

با توجه به اینکه تاکنون قوانین و مقررات سپرده‌پذیری امتیازی در نظام بانکی کشور تدوین نشده و همین مسئله سبب شفاف‌نبودن مبنای فقهی ـ حقوقی فعالیت‌های

سپرده‌پذیری رایج در شبکه بانکی شده است، به نظر می‌رسد محتوای ارائه‌شده در این تحقیق می‌تواند مبنای نظری و فقهی مناسبی برای تدوین قوانین و مقررات مرتبط محسوب شود. بر این اساس توصیه می‌شود مجلس شورای اسلامی، دولت و بانک مرکزی، نسبت به تدوین قوانین و مقررات لازم جهت سامان‌دهی فعالیت‌های سپرده امتیازی اقدام کنند.

در این پژوهش به‌طور عمده ابعاد فقهی و شرعی سپرده‌های امتیازی بیان شد؛ بااین‌حال موفقیت مدل‌های سپرده‌پذیری امتیازی در عمل نیازمند دقت بیشتر در ابعاد اقتصادی، مالی و نظارتی آنها می‌باشد. به‌طور خاص، توسعه استفاده از این ابزار می‌تواند از افزایش نقدینگی به دلیل پرداخت نرخ سود بالا به سپرده‌ها توسط شبکه بانکی که یکی از چالش‌های فعلی اقتصاد ایران محسوب می‌شود، جلوگیری کند. بررسی این ابعاد می‌تواند موضوعی برای تحقیقات آتی در این رابطه محسوب شود.

منابع و مآخذ

۱. انصاری، مرتضی؛ **کتاب المکاسب**؛ ج۵، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۰۶ق.

۲. پویان، مرتضی؛ **پژوهشی در باب قرض‌الحسنه در اسلام**؛ تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۳.

۳. تسخیری، محمدعلی؛ «مبانی شرعی اوراق بهادار اسلامی (صکوک)»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۲۷، ۱۳۸۶.

۴. السان، مصطفی؛ **حقوق بانکی**؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.

۵. شهیدی‌نسب، مصطفی؛ «آسیب‌شناسی تأمین مالی خرد در بانک‌های ایران درس‌هایی برای طراحی نظام تأمین مالی خرد اسلامی»، **فصلنامه جستارهای اقتصادی**؛ ش۲۱، ۱۳۹۳.

۶. صدر، محمدباقر؛ **بانک بدون ربا در اسلام**؛ ترجمه سیدیحیی علوی؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۸.

۷. صدوق، محمدبن‌علی؛ **من لا یحضره الفقیه**؛ ج۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

۸. عاملی، شیخ‌حر؛ **وسائل الشیعة**؛ ج۱۸، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

۹. قضاوی، حسین و همکاران؛ «ساختار صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران و الگوی مبتنی بر اتحادیه‌های اعتباری»، **ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی**؛ ش۸، ۱۳۹۰.

۱۰.کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ **اصول کافی**؛ ج۷، قم: نشر الاسلامیة، ۱۳۶۳ق.

۱۱.مافی، فرزانه؛ **اعتبارات خرد تجارب، ملاحظات و راهبردها**؛ تهران: پژوهشکده تحقیقات استراژیک، ۱۳۸۷.

۱۲.محقق داماد، سیدمصطفی؛ **قواعد فقه**؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.

۱۳.مکارم شیرازی، ناصر؛ **ربا و بانکداری اسلامی**؛ به کوشش ابوالقاسم علیان‌نژادی؛ قم: انتشارات حوزه امام علی﵇، ۱۳۸۷.

۱۴.موتمنی، مانی؛ «طرح یک صندوق چرخشی تعدیل‌یافته در شرایط تورمی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۵۴، ۱۳۹۳.

۱۵.موسوی‌خمینی، روح‌الله؛ **تحریر الوسیلة**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.

۱۶.ـــــــــ؛ **کتاب البیع**؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀، ۱۴۲۱ق.

۱۷.موسویان، سیدعباس؛ **معاملات بانکی از منظر مراجع تقلید**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.

۱۸.موسویان، سیدعباس وحسین میسمی؛ **بانکداری اسلامی(۱)** مبانی نظری ـ تجارب عملی؛ ویرایش پنجم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵.

۱۹.نجفی، محمدحسن؛ **جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام**؛ ج۲۵، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.

۲۰.هادوی‌نیا، علی‌اصغر؛ **قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.

21. Ardener, S. and Burman, S.; **Money-go-rounds: the importance of rotating savings and credit associations for women**; Delhi: Oxford University Press, 2015.

22. Clifford, G.; **The Rotating Credit Association: a middle rung in development**; Cambridge: The MIT Press, 2016.
23. Rutherford, S.; **The Poor and Their Money**; Delhi: Oxford University Press 2000.

* ضمیمه: استفتا از مراجع عظام تقلید در رابطه با سپرده‌های امتیازی

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی حسینی خامنه‌ای حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی علوی گرگانی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی حفظه‌الله

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی مظاهری حفظه‌الله

سلام علیکم

با آرزوی سلامتی و طول عمر برای آن مرجع عالیقدر، به عرض می‌رساند: برخی از بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه در راستای گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه و تشویق سپرده‌گذاران به افتتاح حساب و افزایش موجودی سپرده‌های قرض‌الحسنه، به سپرده‌گذاران اعلام می‌کنند که

متناسب با سپرده‌گذاری و با رعایت ضوابط ذیل به آنان امتیاز دریافت وام قرض‌الحسنه تعلق می‌گیرد.

الف) این مؤسسات به صورت صریح و شفاف به اطلاع سپرده‌گذاران می‌رسانند که: «به جهت رعایت مسائل شرعی، مؤسسه در قبال سپرده‌گذاری هیچ تعهدی به پرداخت وام قرض‌الحسنه ندارد و پرداخت وام قرض‌الحسنه صرفاً به عنوان یک امتیاز اختیاری از طرف مؤسسه می‌باشد».

ب) این مؤسسات برای اطلاع سپرده‌گذاران جدول امتیازی را تهیه کرده و در اختیار مشتریان می‌گذارند و در عین حال تصریح می‌کنند که این جدول هیچ تعهدی را برای مؤسسه ایجاد نمی‌کند و ممکن است مؤسسه تا زمان درخواست وام از طرف مشتری، تغییراتی در جدول اعمال نماید.

حال سؤال این است آیا چنین سپرده‌گذاری با انگیزه کسب امتیاز وام قرض‌الحسنه در چنین مؤسساتی صحیح است؟

* پاسخ استفتائات

تا زمان تدوین مقاله پاسخ‌های ذیل از دفاتر مراجع بزرگوار تقلید دریافت گردیده است:

* آیت‌الله *مظاهری*: **جایز است.**

* مقام معظم رهبری: **اگر سپرده‌گذاری به صورت قرض به شرط گرفتن وام (قرض) نباشد، اشکال ندارد.**

* آیت‌الله *شبیری زنجانی*: **اگر مجموع قرارداد سپرده‌گذاری و گرفتن وام عرفاً موجب سودبردن سپرده‌گذار باشد و وی تحقق معامله دوم را شرط کرده باشد، از حیله‌های رباست و جایز نیست. در غیر این‌صورت اگر بانک را وکیل کند که طبق قرارداد شرعی وام بپردازد و مطمئن باشد بانک بر اساس آن عمل می‌کند و خود وام‌گیرنده هم به قرارداد عمل کند، مانعی ندارد.**

* آیت‌الله *مکارم شیرازی*: **اشکالی ندارد و هر گاه شرط مذکور برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان وام باشد، نه صاحبان صندوق، اشکالی ندارد؛ بنابراین گرفتن وام قرض‌الحسنه با پرداخت کارمزد ۴ درصد مانعی ندارد و کارمزد بیش از این مقدار حرام است. البته با توجه به این که هدف این وام‌ها رفع حوائج و مقاصد ضروری و نیازهای افراد نیازمند است (وام مشروط است) نمی‌توان از این شرط تخلف کرد؛ اما اگر عنوان خاصی نداشته باشد و در مورد مصرف آن شرطی نشده باشد، مصرف آن در موارد دلخواه مانعی ندارد؛ ولی مکروه است.**

* آیت‌الله *نوری همدانی*: **به صورت کلی هر شرطی در قرض که منجر به منفعتی شود، ربا و حرام است؛ حتی اگر قرض به شرط قرض باشد.**

* آیت‌الله *سیستانی*: **با این فرض که شرط الزام‌آوری وجود ندارد، اشکال ندارد.**

* آیت‌الله *هاشمی شاهرودی*: **در فرض** سؤال **که شرطی وجود ندارد، اشکال ندارد.**